

آماده کرده بودم دوست داشتم کسی این نمایش را ببیند و بپذیرد که نسخه سینمایی اثر ساخته شود. لطف خداوند شامل حال من شد و سازمان اوج پذیرفت و به یک کار اولی تئاتری اعتماد کردند. نهایتاً حدود شش ماه نگارش فیلمنامه زمان برد و در طول این مدت چند بار هم مورد بازنویسی قرار گرفت.

**دکوپاژ اثر را قبل از فیلمبرداری انجام داده بودید و یا به شکل دکوپاژ سر صحنه عمل کردید؟**

خوشبختانه یکی از بهترین فیلمبردارهای سینمای ایران، یعنی علیرضا برازنده را کنار خود داشتم. آقای برازنده بسیار صبور و همراه بودند و ما تمام فیلمنامه را در پیش تولید بر اساس ایده‌های مشترک دکوپاژ کرده بودیم.

**فیلمبرداری‌ها در چه لوکیشن‌های انجام شد؟**

تمام کار در شهرک سینمایی دفاع مقدس فیلمبرداری شده است. ما یک زمین کاملاً خالی برای ساخت دکور انتخاب کردیم و هر چه در فیلم می‌بینید را کاملاً ساخته‌ایم.

**برای فیلمبرداری از چه نوع دوربینی استفاده کردید و دلیل انتخاب‌تان چه بوده است؟**

من دوست داشتم مکان ما یک مکان آخرالزمانی باشد، به همین خاطر به یک زبان زیبایی‌شناسی مشترک با آقای برازنده رسیدیم. انتخاب ایشان برای فیلمبرداری دوربین مینی الکسا بود.

**آیا در طول کار، بیسن بازیگران یا عوامل تغییری داشته‌اید؟**

من بهترین گروه را داشتم. خداوند خیلی من را دوست داشت. تمام عزیزان انتخاب‌های اول من بودند و با همان‌ها هم کار را استارت زدیم و تا پایان پیش بردیم. گروه ما بسیار همدل و همراه بودند، حتی هنروران کار! بعضی از هنروران به دلیل شرایط جوی فیلم تصمیم می‌گرفتند دیگر نیایند. به یاد دارم خانم مسنی از میان هنروران در یک شب سرد، بسیار اذیت شد و غم می‌زد؛ روز بعد دیدم آمده و از او پرسیدم: چرا آمدید؟ دیشب به شما خیلی سخت گذشت. جواب داد: مادر گفتم اگر امشب نیام فیلم این دختر خراب میشه. دیگر خودتان حساب کنید.

**در اثر پدیده نوظهور بازیگری هم داشتید؟**

یکی از خانم‌های مسن به نام خانم هما شهیدی زاده که در فیلم نقش خانم آذرفکار را بازی می‌کنند. در سن هفتاد سالگی یک بازیگر درجه یک هستند. فهم بسیار خوبی از درام دارند. خانم شهیدی زاده اولین بازی جدی‌شان را در سرهنگ ثریا تجربه کردند.

**اثر شما جلوه‌های ویژه بصری و میدانی هم داشته است؟**

بله. در بخش میدانی ایجاد باران، خاک و طوفان‌های عراق و در بخش بصری هم بازنمایی بخش‌هایی از اردوگاه اشرف را داشته‌ایم.

**اثر شما در چه ژانری قرار می‌گیرد؟**

به نظر خودم یک ملودرام سیاسی است. البته ملودرام‌ها معمولاً پایان خوش دارد اما در فیلم سرهنگ ثریا این پایان خوش، همراه با ادامه راه تعریف شده است.

**جلیل شعبانی:**

نمایش کاملی از استبداد سیاسی و عواطف خانوادگی

**با توجه به اینکه لیلی عاج اولین کارگردانی خود را در سینمایی بلند تجربه می‌کند، چطور همکاری‌تان شکل گرفت؟**

سرهنگ ثریا در ابتدا نمایشنامه‌ای به قلم لیلی عاج بود که در صحنه تئاتر هم اجرا شده بود، این نمایشنامه با تحقیقات مفصلی از خانواده‌هایی که سال‌ها پشت درب‌های بسته اردوگاه اشرف منتظر فرزندان‌شان هستند شکل گرفته بود. روایت این فیلم برگرفته از داستان دراماتیک مادری است که در انتظار فرزندش می‌سوزد. این نمایشنامه قابلیت تبدیل شدن به سینمایی بلند را داشت، از این‌رواز کارگردان خواستم این اثر را به فیلمنامه بازنویسی کند. در اجرای این نمایش سرمایه‌گذار بودم. نکته قابل توجهی که برایم اهمیت داشت این بود که این اثر بنا بر گزارش‌ها و مصاحبه‌های مستند زیادی که از تک‌تک خانواده‌هایی که عزیزان‌شان در اردوگاه اشرف به سر می‌بردند شکل گرفته بود. حقیقتی از یک برهه تاریخی در ایران که نیاز به بازگویی و بررسی آن از یک زاویه جدید بر مبنای روابط انسانی احساس می‌شد.

**فیلمنامه بر مبنای چه الگویی ساخته و پرداخته شد؟**

نگارش این اثر با مشورت فیلمنامه‌نویسان صاحب‌اثر و خیره‌دار پروسه‌ای زمان‌بر اتفاق افتاد.

**از چه نهاد یا سازمانی برای تولید فیلم سرهنگ ثریا حمایت گرفتید؟**

لیلی عاج از مشاورین هنری هیئت انتخاب سازمان اوج خواست، که اجرای نمایش را ببینند تا در صورت رضایت و همکاری برای حمایت از تولید اثر اقدام کنند. در واقع این فیلم سفارشی از سمت لیلی عاج به سازمان اوج بود که از آن حمایت کنند.

**روایت این فیلم درباره چیست؟**

ماجرای این قرار است که بعد از سرنگونی دولت صدام خانواده‌ها

برای تشویق فرزندان خود برای خروج و فرار از اردوگاه اشرف، در پشت درهای بسته این اردوگاه مستقر شده تا شوق و انتظار خود را برای در آغوش کشیدن اعضای خانواده خود نشان دهند. تلاش این خانواده‌ها از پشت درب برای رساندن صدای‌شان به داخل اردوگاه، نمایش کاملی از استبداد سیاسی و عواطف خانوادگی بود. این فیلم هم ماجرای خانواده‌ای است که سال‌هاست در پشت درب‌های این اردوگاه به انتظار دخترشان نشسته‌اند.

**آیا این فیلم با پیشینه‌ای که از یک واقعه تاریخی دارد می‌تواند به پرسشی از امروز پاسخ دهد؟**

بله، معتقدم برای پاسخ دادن به چالش‌ها و مشکلات امروزی، باید گذشته را از ابعاد مختلف بررسی کرد. در این فیلم از زاویه‌ای به مناقین پرداخته شده است که تا بحال این افراد به این شکل نشان داده نشده‌اند. مناققان پیش از این بیشتر به شکل مبارزانی اسلحه‌به‌دست و تروریست نشان داده شده‌اند. در این اثر ابعاد تفکر سرکرده‌های مناققان در ایجاد شکاف‌های ایدئولوژیک و تفرقه‌افکنی در نظام خانواده پرداخته شده است.

**لوکیشن اصلی فیلم در کجا بود؟**

قبلاً قرار بود به خود پادگان اشرف در عراق برویم، اما به علت تغییراتی که در پادگان اتفاق افتاده بود، این امکان میسر نشد و به همین دلیل در شهر تهران زمینی را فراهم کردیم و در آن بنایی را به شکل پادگان اشرف از صفر تا صد ساختیم و آماده فیلم برداری شد.

**ارزیابی‌تان در ارکان عمومی فیلم برای مخاطب عام چیست؟**

این فیلم به تناسب اینکه علاوه بر موضوع محوری مناقین، به روابط عاطفی مادر و فرزند با درون مایه عشق می‌پردازد قطعاً با مخاطب عام به خاطر تهییج احساس‌ها و عواطف ارتباط برقرار می‌کند. چرا که قصه جذابی از یک انتظار ممتد و اشتیاق را تصویر سازی کرده است. و از همه مهم‌تر که این موضوع برگرفته از داستانی واقعی است و اتفاق افتاده است.

**آیا باز نمودی از این اتفاق تاریخی را در زندگی امروزی دیده‌اید؟**

بله، همچنان مشاهده گر هستیم که بعضی از افراد خانواده توسط برخی گروه‌های تروریستی و یا ایدئولوژی‌های تخریب‌گرا مورد فریب قرار می‌گیرند و همین باعث فروپاشی نظام خانواده می‌شود که از مهم‌ترین نظام‌های اولیه زیر ساختی جامعه است و روابط عاطفی خانوادگی آنها در این میان خدشه دار و یا گاهی کاملاً از بین می‌برد.

**در روند پیش تولید و اخذ پروانه ساخت، آیا با ممیزی و سخت‌گیری هم مواجه شدید؟**

قصه این فیلمنامه بر پایه اسنادی معتبر بود و خوشبختانه با شناختی که از قوانین ساخت و شرایط پردازش ایده در ایران داشتیم، از همان ابتدا اثر را با در نظر گرفتن چارچوب‌های مشخص رایج ارائه کردیم.

**آیا همکاری حمایتی با سازمان اوج رضایت بخش بود؟**

بله، سازمان اوج تمام‌قد در کنار این فیلم بود. اما انتظار من این بود که وقتی به سراغ سوژه‌ای می‌رویم که بخش نهفته‌ای از تاریخ ایران را به تصویر می‌کشد، از حمایت‌های دیگر سازمان‌ها و نهاد‌های یگر هم برخوردار شویم که متأسفانه همکاری لازم را با ما نداشتند. چنانچه اگر این همکاری اتفاق می‌افتاد هزینه‌های که صرف پروداکشن این فیلم شد، می‌توانست در بهبود و ارتقا کیفیت کار کمک‌کننده باشد و شاهد اثری با کیفیتی بسیار بالاتر می‌بودیم.

**صحبت پایانی:**

وقتی پروژه‌ای با این موضوع مهم و استراتژیک در این برهه زمانی ساخته و پرداخته می‌شود نیاز به حمایت سازمان‌های دیگر برای هر چه بهتر انجام شدن کار لازم و ضروری است. امیدوارم بعد از این با در نظر گرفتن موضوعات اینچنینی، هنرمندان ما با مشکلات کمتری برای پرداخت هر چه بهتر روبرو باشند.

